**آسیب های فردی و اجتماعی نظام اقتصادی از دیدگاه اسلام**

فریبا تنها**[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

از آن جا که اقتصاد به منزله ستون فقرات و خون در پیکر جامعه می­باشد و هر عمل اشتباه و برخلاف قوانین اقتصادی باعث ضربه­های سهمگین به پیکره نظام اقتصادی جامعه می­گردد، باید برای جریان صحیح امور اقتصادی و سلامت نظام اقتصادی کوشید و با اموری که باعث آسیب رساندن به آن می­شود مقابله نمود. در تعالیم اسلام هر عملی که باعث آسیب به نظام اقتصادی شود تبیین و به شدت نهی شده است و برای پیشگیری از آنها و شناسایی آن توسط فرد و جامعه و پرهیز از ارتکاب آن، این امور را تبیین گشته است. از این رو این تحقیق با روش کتابخانه­ای، جهت شناسایی آسیب­های فردی و اجتماعی نظام اقتصادی از دیدگاه اسلام، صورت گرفته است در دیدگاه اسلام اهم این آسیب­ها، خیانت افراد، گروه­ها و سازمان­ها در معاملات و قراردادهای اقتصادی، استثمار اقتصادی و بهره کشی از افراد و عدم پرداخت مکفی حقوق و مزایای آنها، بیکاری و وجود مشاغل کاذب و غیرمولد، رانت خواری با سوء استفاده از فرصت ها و امکانات جامعه می باشد. همچنین رباخواری که آسیب­های جبران ناپذیری به فرهنگ و ارزش­های جامعه وارد می­سازد، احتکار کالاها برای دست یابی به سود بیشتر مادی، فرهنگ مصرف گرایی و روی آوردن به تجمل گرایی، قاچاق کالاهای خارجی و نیز اشتغال به مشاغل فاسد و مخرب برای اقتصاد جامعه از مهم ترین آسیب های نظام اقتصادی می باشد.

کلید واژه: اقتصاد، آسیب، نظام اقتصادی، آسیب های فردی.

**مقدمه**

یکی از تلاش ها و آمال های جوامع بشری در طول تاریخ، دستیابی به نظام اقتصادی سالم، پویا و پیشگیری از آسیب های آن است. اما گاهی نظام اقتصادی دچار آسیب های فردی و اجتماعی متعددی می گردد، که سلامت آن را به مخاطره می اندازد. از این رو یکی از دغدغه های اندیشمندان و اقتصاددانان همواره مسأله سلامت نظام اقتصادی و شناسایی آسیب های ان جهت پیشگیری و مقابله می باشد. بنابراین برای دستیابی به سلامت نظام اقتصادی لازم است این آسیب ها شناسایی و تبیین گردد. اندیشمندان و محققان بسیاری تا کنون در مورد آسیب های نظام اقتصادی آثاری از خود به جای گذاشته اند، از جمله کتاب اقتصاد ما تألیف محمدباقر صدر (1411 ق)، نظام اقتصادی اسلام تألیف سید حسین میرمعزی (1387)، اقتصاد در اسلام تألیف سید احمد میرعمادی (1390)، این آثار در نوع خود ارزشمند هستند اما تا کنون اثری مستقل ناظر به آسیب های فردی و اجتماعی نظام اقتصادی در دیدگاه اسلام صورت نگرفته است. از این رو تحقیق حاضر در پاسخ به این پرسش که آسیب های فردی و اجتماعی نظام اقتصادی در دیدگاه اسلام چیست؟ با مطالعه در کتابخانه و فیش برداری به صورت توصیفی و تحلیلی انجام شده است و پس از بیان مفهوم اقتصاد، نظام اقتصادی، آسیب های فردی و اجتماعی نظام اقتصادی از دیدگاه اسلام تبیین گشته است.

**مفهوم اقتصاد**

اقتصاد در لغت به معنای میانه رفتن، میانجی نگه داشتن، اعتدال و میانه روی در هر کاری است.[[2]](#footnote-2) در مکالمات روزمره واژه اقتصاد به معنای اعتدال، میانه روی و تعادل در مسائل مالی و هزینه دخل و خرج است. اما در اصطلاح یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر، اصول و قوانین که بر امور مذکور حکومت می کند و وسایلی که باید در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه، رفاه و آسایش افراد آن تأمین گردد، بحث می کند[[3]](#footnote-3) در تعریف اقتصاد، همیشه شرایط اجتماعی و زمانه بسیار مؤثر بودند از این رو و در طول تاریخ مکاتب مختلف اقتصادی پدید آمده است. در هر زمان اقتصاددانان این علم را به نحوی مقتضی با اندیشه و ظن خود تعریف نموده اند.

**مفهوم نظام اقتصادی**

نظام اقتصادی، نزد اندیشه وران اقتصادی، هنوز مفهوم واحد و مورد وفاقی نیافته است و تعریف های گوناگون از این واژه صورت گرفته است. ژوزف لاژوژی نظام اقتصادی را چنین تعریف می کند: مجموعه ای هماهنگ از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در بطن آن ها، برخی وسائل فنی سازمان یافته به پیروی از برخی انگیزه های برتر، به منظور برقراری تعادل اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است.[[4]](#footnote-4) کوزنش، نظام اقتصادی را چنین ترسیم می کند، مجموعه قواعد مؤثر بر واحدهای متعدد موجود در جامعه در جهت همکاری در امر تولید، توزیع و مصرف کل.[[5]](#footnote-5)

شاید بتوان یک مفهوم مشترک را به خلاف ناهمسانی های فراوان، استنباط کرد و آن چارچوب ها، عنصرها و قاعده های اساسی است که تعیین کننده پیوندها و رابطه های اقتصادی شرکت کنندگان در عرصه اقتصاد برای دست یابی به هدف، یا هدف های اقتصادی شناخته و نمایان است.[[6]](#footnote-6)

اکنون که مفهوم اقتصاد و نظام اقتصادی تبیین گشت، به بیان اهم آسیب های فردی و اجتماعی نظام اقتصادی از دیدگاه اسلام پرداخته شده است.

**1- خیانت در معاملات و قراردادها**

یکی از آسیب های نظام اقتصادی، خیانت افراد، گروه ها، سازمان ها در معاملات و قراردادهای اقتصادی است که انجام می دهند. در دین مبین اسلام تمامی احکام معاملات مالی بیان و روشن گشته است و برخی از اخلاق و آداب به دو طرف معامله تأکید شده است. از مهم ترین این آداب رعایت امانت در معاملات تجاری با دیگران چه مسلمان باشند و چه کافر، می باشد. اما گاهی برخی افراد و سازمان ها به انگیزه های مختلف در معاملات و قراردادهایی که منعقد می کنند، دست به خیانت و ضایع نمودن امانت می زنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضایع نمودن امانت و خیانت را از علایم نفاق برشمردند، آنجا که فرمودند: «آیة المنافق ثلاث إذا احدث کذب و إذا اوتمن خان و إذا وعد أخلف: نشانه منافق سه تا است: هرگاه سخن گوید دروغ می گوید و هرگاه وعده دهد خلاف می ورزد و هرگاه مورد اعتماد قرار گیرد، خیانت می کند.»[[7]](#footnote-7)

و همچنین می فرماید: «لا ایمان لمن لا أمانة له: کسی که امانت ندارد ایمان ندارد.»[[8]](#footnote-8) خود پیامبر در مکه قبل از بعثت ملقب به صادق و امین بودند، زیرا نمادی از امانت در معاملات و رفتارهایشان بودند. یکی از صفت هایی هم که در قرآن کریم تأکید زیادی بر آن شده است، صداقت در گفتار و کردار است. آیات زیادی در این باره وارد شده از جمله: «وَ قُل رَّبّ‏ِ أَدْخِلْنىِ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنىِ مخُْرَجَ صِدْقٍ: و بگو: «پروردگارا، مرا [در هر كارى‏] به طرز درست داخل كن و به طرز درست خارج ساز»[[9]](#footnote-9)

بنابراین در هر کاری که انجام می دهیم، در تمام عرصه های زندگی از جمله اقتصاد باید آن را با صداقت آغاز کنیم تا با موفقیت به انجام برسد.

خیانت در معاملات و قراردادها موجب عدم اعتماد و محبت مردم در بازار می شود. انسان خائن در بازار اعتباری ندارد و همه ترجیح می دهند با او معامله نکنند. حتی انسان حاضر است پول بیشتری بدهد اما با کسی که صادق و مورد اطمینان است معامله کند. بدین ترتیب بر اساس محاسبه های عقلی انسان خائن در بازار زمینه رشد ندارد در بعد کلان هم اگر این اخلاق در جامعه به صورت فرهنگ درآید و در بازارها کسی راست نگوید و صداقت رعایت نشود، سرعت معاملات پایین رفته و هزینه آنها افزایش یافته و در نتیجه کارایی بازاری کاهش می یابد. چنان که واضح است آن چه از امور پیش گفته حاصل می شود، چیزی جز رشد رونق کشور در عرصه اقتصادی و بی نیازی آن به استکبار جهانی نخواهد بود.[[10]](#footnote-10)

**2- استثمار اقتصادی و بهره کشی از دیگران**

یکی از آسیب های نظام اقتصادی در دیدگاه اسلام، استثمار اقتصادی و بهره کشی از دیگران است. منظور از استثمار اقتصادی آن است که افرادی، افراد دیگر را با قرارداد برای یک سری کارها و خدمات به خدمت بگیرند ولی در قبال تلاش و کار مفید آن ها حقوق و مزایای در خور آنها نپردازند. استثمار اقتصادی سبب پیدایش فاصله طبقاتی و طاغوت اقتصادی می گردد به طوری که عده ای صاحبان ثروت و متمکن، عده ای فقیر و رنجور، عده ای توانگر و طغیانگر، عده ای مستضعف و بیچاره می شوند.[[11]](#footnote-11)

از برخی آیات قرآن کریم به خوبی استفاده می شود که رهبران الهی در گام های نخستین، و مراحل آغازین دعوت خود، به اجرای عدالت در روابط اقتصادی و مبارزه با ستم و استثمار مردم می پرداختند، چون رسیدن به هدف اصلی خود را یعنی تشکیل جامعه موحد و گسترش مکارم اخلاق بدون دستیابی به عدالت اقتصادی و ایجاد دگرگونی در روابط ظالمانه و استثماری ممکن نمی دانستند. قرآن کریم می فرماید: «وَ إِلىَ‏ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُواْ اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَاهٍ غَيرُْهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُواْ الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُواْ النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُواْ فىِ الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَالِكُمْ خَيرٌْ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ: و به سوى [مردم‏] مَدْيَنْ، برادرشان شعيب را [فرستاديم‏] گفت: «اى قوم من، خدا را بپرستيد كه براى شما هيچ معبودى جز او نيست. در حقيقت، شما را از جانب پروردگارتان برهانى روشن آمده است. پس پيمانه و ترازو را تمام نهيد، و اموال مردم را كم مدهيد، و در زمين، پس از اصلاح آن فساد مكنيد. اين [رهنمودها] اگر مؤمنيد براى شما بهتر است.»[[12]](#footnote-12)

همچنین می فرماید: «وَ لَا تَبْخَسُواْ النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْثَوْاْ فىِ الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ: و حقوق مردم را كم مدهيد، و در زمين به فساد سر برمداريد.»[[13]](#footnote-13) کلمه تَبْخَسُواْ از بخس به معنای کم گذاردن ظالمانه از حقوق مردم از طریق عیب گذاری و یا سوء استفاده کردن از ناچاری مردم به خاطر بیکاری یا فاسد شدن محصول و یا به خاطر نیاز مالی مردم به پول و .... می باشد. کم کردن قیمت کالا و کار مردم، سبب نابه سامانی اقتصادی و از هم گسیختگی نظام اقتصادی می گردد. از این رو قرآن دستور می دهد، در زمین فساد نکنید، جامعه را به تباهی نکشانید و به هر گونه استثمار و بهره کشی ظالمانه و تضییع حقوق دیگران پایان دهید تا به سلامت و عدالت در نظام اقتصادی دست یابید.[[14]](#footnote-14)

**3- بیکاری**

یکی از آسیب های نظام اقتصادی از دیدگاه اسلام بیکاری است. در مکتب اسلام بیکاری و نیازمند دیگران بودن امری ناپسند و عامل دوری و بدبختی فرد و جامعه شمرده شده است، که ضربه های شدید اقتصادی به فرد و نظام اقتصادی جامعه وارد می کند. از این رو خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ: پس چون فراغت يافتى، به طاعت دركوش.»[[15]](#footnote-15) مقصود ایه نهی از بیکاری و روی آوردن به تلاش و کوشش مستمر است که در این آیه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان الگو گوشزد می شود.[[16]](#footnote-16) از سوی دیگر در منابع دینی ما به شدت بیکاری و تنبلی مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «ملعون من ألقی کله علی الناس: کسی که سربار جامعه باشد و بار زندگی خودش را بر دوش دیگری بنهد، از رحمت خدا به دور است.»[[17]](#footnote-17) می توان گفت تأکید آیات و روایات بر مذمت بیکاری به خاطر آثار منفی فردی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و .... است که فرد بیکار را تهدید می کند.[[18]](#footnote-18)

معضل بیکاری در حال حاضر مهم ترین مشکل اقتصادی کشور ما است. بیکاری یکی از بزرگترین معضلاتی است که توازن اقتصادی جامعه، توزیع عادلانه اموال و امکانات بین اقشار جامعه را به هم می ریزد و باعث ایجاد بحران های متعددی در عرصه اقتصادی از جمله عدم تحقق عدالت اقتصادی می شود. علاوه بر این بدیهی است که این اولین تأثیر بیکاری، کاهش درآمد است و کاهش درآمد، نه فقط یک فرد و یک خانواده بلکه کل جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. در جامعه ای که عرضه و تقاضا متعادل نباشد، رونق اقتصادی، عدالت اقتصادی و پیشرفت اقتصادی به چشم نمی خورد. واسطه گری و دلالی و روی آوردن به مشاغل فاسد و کاذب افزایش می یابد. در چنین شرایطی نیازهای فردی و خانوادگی فرد مغفول می ماند و او برای برآورده کردن نیازهای خود به هر وسیله ای متوسل می شود. تأثیرات سوء بیکاری را می توان از دیدگاه جامعه شناسی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روانی بررسی کرد. بیکاری مهم ترین علت افزایش بزهکاری اجتماعی است و ارتباط افزایش بیکاری با افزایش بزهکار در جامعه مدت هاست که ثابت شده است.[[19]](#footnote-19)

**4- رانت خواری**

یکی از آسیب های نظام اقتصادی، رانت خواری است. رانت خواری به فعالیت هایی گفته می شود که توسط یک فرد یا چند فرد با سوء استفاده از فرصت ها و امکانات جامعه صورت می گیرد بدون اینکه ارزش افزوده بیشتری تولید کنند، تا درآمد خود را افزایش دهند.[[20]](#footnote-20)

رانت خواری همان سود بادآورده، درآمد بدون کار و تولید بدون فعالیت اقتصادی است. افرادی با سوء استفاده مالی، بدون انجام کار مفید و حتی با انجام کارهای مضر به حال اقتصاد کشور به ازای پرداخت رشوه و یا پارتی بازی به امتیازهای اقتصادی دست می یابند و ثروت های بادآورده و افسانه ای کسب می کنند این گونه افراد را رانت خوار گویند.[[21]](#footnote-21)

عوامل ایجاد رانت در جامعه متعدد است، از جمله سپردن مسئولیت های مهم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی به افراد کم ظرفیت و بی تعهد که مسئولیت را طعمه می دانند، هم چنین عدم وجود نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران و کارکنان حکومت، صدور و واگذاری امکانات، مجوزهای انحصاری برای فعالیت های اقتصادی و اجتماعی به افراد از طریق اعمال فشار سیاسی صاحبان قدرت و افراد بانفوذ و ..... می باشد.[[22]](#footnote-22)

در اسلام به شدت از رانت خواری و تسلط عده ای بر اقتصاد و اموال مردم جلوگیری شده است و در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «إنما اتخوف علی امتی من بعدی ثلاث الخصال ان یألوا القرآن علی غیر تأویله أو یتبعوا ذله العالم أو یطهر فیهم المال حتی یطفوا و یطروا: همانا می ترسم که پس از من سه خصلت در میان امت من رواج یابد، اول قرآن را به تأویل ببرند و برخلاف محتوای آن معنا کنند، دوم از عالمی که اشتباه می کند و دچار لغزش است، پیروی کنند سوم مال و دارایی فراوان را از طریق غیرمشروع انباشته کنند تا طغیان کنند و از بسیاری پول و ناز و نعمت خود را گم کنند.[[23]](#footnote-23)

جمله «أو یطهر فیهم المال حتی یطفوا و یطروا» اشاره دارد به رانت خواری که مایه هلاکت انسان و رکود اقتصادی جامعه، فقر، بیکاری، قتل و غارت، طغیان، فروپاشی نظام اقتصادی – سیاسی و ..... می گردد. البته باید توجه داشت که رانت خواری منحصر در رانت اقتصادی نیست، بلکه رانت قضایی، اطلاعاتی، آموزشی و .... وجود دارد، لیکن در میان انواع رانت ها، رانت اقتصادی بیشتر شایع و رایج است. رانت خواری از هر نوعی که باشد، یکی از معضلات مهم جوامع بشری است که گریبان گیر همه است و در همه سطوح چه کلان و چه خرد دیده می شود و مبارزه با آن یک کار سخت پیچیده و دشوار است.

**5- رباخواری**

یکی از آسیب های نظام اقتصادی از دیدگاه اسلام رباخواری است. رباخواری هم به فرهنگ و ارزش های اخلاقی صدمه می زند، هم آفات و آثار سوء اقتصادی را در پی دارد. انگیزه تعاون، ایثار و اقدام به قرض الحسنه در افراد ضعیف می شود، اما برعکس روحیه سودجویی در آن ها تقویت شده، جای نوع دوستی و همیاری را می گیرد. به لحاظ اقتصادی، رباخوار هیچ توجهی ندارد که ربادهنده سرمایه رباخوار را چگونه و در چه مواردی به کار می گیرد. او فقط به فکر سود خود است و هیچ گونه ریسکی در برابر ربایی که می گیرد نمی پذیرد. در حالی که اغلب سرمایه گذاری با ریسک مواجه است. در نتیجه تولیدکنندگان فقط به سمت کالاها و خدماتی روی می آورند که دارای سود بیشتر باشند و از ورود به فعالیت های اقتصادی که برای مردم و جامعه سودمند، اما با ریسک همراه است می پرهیزند. نتیجه چنین وضعی کاهش تولید، تعطیل ماندن برخی سرمایه های نقدی یا به سمت فعالیت غیرسودمند سوق یافتن است و رشد اقتصادی و رفاه عمومی به نقطه مطلوب نمی رسد. اگر ربا در فعالیت های اقتصادی وجود نداشته باشد، صاحبان سرمایه های نقدی همانند تولیدکننده های اقتصادی هم در سود مشارکت خواهند کرد و هم درجه ای از ریسک را خواهند پذیرفت و مشکلات پیشین در اقتصاد اتفاق نمی افتد.[[24]](#footnote-24)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهی از رباخواری می فرماید: «خمسة الاشیاء تقع بخمسه أشیاء و لابد تملک الخمسه من النار .... من التجر بغیر علمٍ فلابد له من أکل ربا و لابد تأکل الربا من النار: پنج چیز به دنبال پنج چیز دیگر اتفاق می افتد. عامل آن پنج چیز در آتش جهنم واقع می شود. هرکس بدون دانش به تجارت اقدام کند به رباخواری مبتلا می شود و رباخوار حتماً در آتش جهنم است.[[25]](#footnote-25)

بنابراین رباخوار در زندگی آخرتی هیچ گونه سودی نخواهد برد، بلکه دچار عذاب الهی می شود و اگر هر انسانی این مطلب را درک کند، به یقین با رضا و خواست قلبی از رباخواری پرهیز خواهد کرد.

**6- احتکار**

یکی از روش های رایج در میان تجار و بازاریان برای رشد قیمت ها، احتکار است. اجناس مورد نیاز را احتکار می کنند تا کمیاب شود یا در انحصار آنان قرار بگیرد و بدین وسیله گران تر از جای متعارف به فروش می رسانند. ممنوعیت احتکار در سخنان امام علی علیه السلام فراوان آمده است. چنان که می فرمایند: «احتکار شیمة الفجار: احتکار خوی گناهکاران است.»[[26]](#footnote-26)

احتکار کالاها نوعی فعالیت اقتصادی ناپسند در قلمرو توزیع است. این نوع فعالیت باعث افزایش قیمت کالاها می شود چرا که احتکار، کالاها را از چرخه توزیع خارج می کند و بازار عرضه را با کمبود مصنوعی مواجه می سازد. عرضه کننده با احتکار بر قیت بازار اثر می گذارد و اقتصاد را از وضعیت کارایی خارج می کند، در نتیجه هزینه مبادله ها افزایش می یابد.[[27]](#footnote-27)

بنابراین در چنین وضعیتی همه مردم متضرر می شوند و رفاه عمومی کاهش می یابد، اما اگر احتکار در عرصه اقتصاد وجود نداشته باشد، اقتصاد از این ناحیه با کمبود عرضه مواجه نخواهد شد. قیمت کالاها و خدمات دارای ثبات می شوند و کاستی در رفاه مردم اتفاق نمی افتد.[[28]](#footnote-28)

**7- فرهنگ مصرف گرایی**

یکی از آسیب های نظام اقتصاد، فرهنگ مصرف گرایی یعنی استفاده از کالاها و خدمات به مقدار بیش از نیاز و روی آوردن به تجمل گرایی توسط گروهی از اقشار جامعه است. فرهنگ مصرف گرایی و مصرف زایی به عنوان یک پدیده اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، آثار و نتایج زیان باری برای فرد و جامعه دارد و از یک سو جامعه را به سمت واردات سوق می دهد و این امر موجب وابستگی جامعه به بیگانگان در نتیجه زمینه ساز سلطه اقتصادی آن بر کشور می گردد. و از سوی دیگر استفاده بی رویه و تجمل گروهی از افراد جامعه موجب سلب استفاده برابر از خدمات و کالاها توسط دیگر افراد جامعه می شود و این گونه زمینه عدم تحقق عدالت اقتصادی را فراهم می آورد.[[29]](#footnote-29)

از این رو قرآن کریم در مورد اسراف کاران که دچار مصرف گرایی هستند می فرماید: «إِنَّهُ لَا يحُِبُّ الْمُسرِْفِينَ: كه او اسرافكاران را دوست نمى‏دارد.»[[30]](#footnote-30) در آیات دیگر قرآن خداوند متعال یکی از صفت ممتاز بندگان خویش را اعتدال در مصرف معرفی نموده و می فرماید: «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنفَقُواْ لَمْ يُسْرِفُواْ وَ لَمْ يَقْترُُواْ وَ كَانَ بَينْ‏َ ذَالِكَ قَوَامًا: و كسانى‏اند كه چون انفاق كنند، نه ولخرجى مى‏كنند و نه تنگ مى‏گيرند، و ميان اين دو [روش‏] حد وسط را برمى‏گزينند.»[[31]](#footnote-31) گرچه انفاق یکی از وظایف هر انسانی است اما در اینجا هم اگر افراط و تفریط باشد و از حد اعتدال خارج شود، به طوری که یا آن چنان اسراف و زیاده روی در انفاق نماید که خود و خانواده اش دچار سختی و مشقت شود و یا آن چنان خساست و سخت گیری به خرج دهد که دیگران از مواهب آنها استفاده نکنند، در هر دو صورت از حد اعتدال خارج است و متصف به صفات ممتاز عبادالرحمن نیستند.[[32]](#footnote-32)

با توجه به کلمات معصومین علیهم السلام این امر متصور می شود که اعتدال در مصرف، استفاده در حد کفاف است چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید:«ما فوق الکفاف اسراف: بیش از حد کفاف اسراف محسوب می شود.»[[33]](#footnote-33) بنابراین در نظام اقتصادی اسلام، هرچند مالکیت خصوصی افراد محترم شمرده شده است و هم نیاز جامعه مدنظر قرار گرفته، اما چون مصرف گرایی به آن موجب آسیب نظام اقتصادی می شود از آن نهی شده است.

**8- قاچاق کالا**

یکی از مسائلی که همواره نظام اقتصادی کشورهای در حال توسعه را تهدید می کند، قاچاق کالاهای خارجی به داخل این کشورها است. این امر علاوه بر خروج ارز بدون عوارض گمرکی و مالیاتی موجبات نابودی اقتصاد ملی را به همراه دارد. کالاها با قیمت بسیار نازل وارد بازار مصرف می شود و تولیدکنندگان داخلی قدرت رقابت با آنها را ندارند. و در نتیجه دچار رکود اقتصادی و در پایان ورشکستگی را برای تولیدکنندگان به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر شکست شرکت های تولیدکننده محصولات داخلی باعث بیکاری کارگران، وارد آوردن فشارهای سنگین اقتصادی بر قشرهای آسیب پذیر و عدم تحقق برنامه های اقتصادی، سیاسی و طرح های توسعه اقتصادی از زیان های دیگر ورود قاچاق کالا خواهد بود. دولت باید به این امر توجه داشته باشد و خطرات و مضرات روی آوردن به استفاده از کالاهای بیگانگان را به مردم تذکر دهد. علاوه بر این مانع ورود کالاهای بیگانه شود و واردکنندگان را مجازات کند. چنان که معصومین علیهم السلام به این امر توجه داشتند و در این باب تذکرات فراوانی می دادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «کلوا من کد ایدیکم من اکل من کد یده، نظر الله الیه بالرحمة ثم لایعذبه ابداً: از دسترنج خویش بخورید و هرکس از دسترنج خویش بخورد خداوند با نظر رحمت به او نگاه خواهد کرد و او را عذاب نمی کند.»[[34]](#footnote-34)

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید فراوان داشتند بر اینکه کارهای خود را خودتان انجام دهید و هرگز از دیگران به اندازه یک چوب مسواک کمک نخواهید.[[35]](#footnote-35)

هرچند این دستورات و توصیه ها را رسول خدا در حوزه فردی بیان کرده اند، اما می توان آن ها را به حوزه اجتماع و همچنین جامعه اسلامی عمومیت داد و رمز موفقیت جامعه اسلامی را در این نکته دانست که جامعه می تواند به موفقیت دست پیدا کند و در برابر ابرقدرت های دنیا مبارزه کند که همه مایحتاج خود را خودش تهیه کند و حتی به اندازه یک چوب مسواک محتاج دیگران نباشد.

**9- مشاغل فاسد و مخرب**

اسلام شغل را در خدمت انسان و برای رسیدن به اهداف متعالی آفرینش قرار داده تا بدان وسیله به منزلت حقیقی خود دست یابد. و این نگرش کاملاً والا و متمایز از نگاه امروزی دنیای مادی به این مسأله است که در عمل این انسان ها هستند که همه عمر و سرمایه وجود خود را وقف کار و شغل نموده اند. آن هم نه در جهت اهداف انسانی بلکه در مسیر انگیزه های زیادخواهی، تفاخر، امیال و خواهش های کم ارزش نفسانی و ......[[36]](#footnote-36)

انگیزه سودطلبی گاهی موجب می شود که افراد از مسیر سالم انسانی کار خارج شده و دست به کارهایی بزنند که نه تنها به حال جامعه مفید نیست بلکه انواعی از مفاسد اجتماعی و اخلاقی، جسمی و روحی را نیز به دنبال دارد. از آن جمله می توان به تولید مشربات الکلی، مواد مخدر، فیلم ها و مجلات مستهجن، خرید و فروش آلات لهو و موسیقی حرام و .... که در کتاب مکاسب محرمه نام برده شده، اشاره نمود. در اسلام با این مشاغل که به نظام اقتصادی جامعه و نیز نظام اخلاقی آن آسیب وارد می نماید، سخت مخالفت شده است و مردم را از آن برحذر داشته است. امام علی علیه السلام در تقبیح این فعالیت ها می فرماید: بئس الکسب الحرام: «شغل حرام بدترین شغل است.»[[37]](#footnote-37)

اشتغال به مشاغل حرام، کاذب و فاسد از دو جهت موجب عقب ماندگی و فشار بر اقشار کم درآمد می شود، از یک سو مصرف این کالاها عوارض جسمی و روحی بر جا گذاشته، هزینه های زندگی را افزایش می دهد و از سوی دیگر با اختصاص بخشی از منابع تولید به تولید این گونه کالاها تولید کالاهای ضروری و مورد نیاز با مشکل مواجه و باعث افزایش قیمت آن ها می شود. بنابراین در اسلام در عین حال که آزادی فعالیت های اقتصادی به رسمیت شناخته شده است، اما با اتخاذ محدودیت های ذاتی و عینی آن را در کادر انسانی و معقولی محدود و از آن منافع اجتماعی حمایت می کند. این در حالی است که نظام اقتصاد سرمایه داری با اصل قرار دادن منافع فردی و مالکیت خصوصی، آزادی مطلق فعالیت ها را دنبال می کند.

**نتیجه گیری**

یکی از آمال های جوامع بشری در طی قرون متمادی، دستیابی به نظام اقتصادی سالم و پویا است. اما گاهی نظام اقتصادی دچار آسیب های فردی و اجتماعی متعدد می گردد، که سلامت آن را به مخاطره می اندازد و مانع از چرخه اقتصادی سالم و در چارچوب قوانین اقتصادی تعریف شده در آن نظام می گردد. در تعالیم اقتصادی سالم، آسیب های فردی و اجتماعی نظام اقتصادی تبیین گشته است، اهم این آسیب ها، خیانت افراد، گروه ها و سازمان ها در معاملات و قراردادهای اقتصادی است که انجام می دهند، استثمار اقتصادی و بهره کشی از دیگران به این صورت که افرادی، افراد دیگر را با قرارداد برای یک سری کارها و خدمات به خدمت بگیرند ولی در قبال تلاش و کار مفید آن ها حقوق و مزایای درخور به آنها نپردازند و نیز بیکاری که در حال حاضر مهم ترین مشکل اقتصادی کشور ها است و توازن اقتصادی جامعه، توزیع عادلانه اموال و امکانات بین اقشار جامعه را به هم می ریزد از مهم ترین آسیب های نظام اقتصادی می باشند. همچنین رانت خواری افراد با سوء استفاده از فرصت ها و امکانات جامعه بدون اینکه ارزش افزوده بیشتری تولید کنند، رباخواری که ارزش های اخلاقی انگیزه تعاون، ایثار و اقدام به قرض الحسنه را در افراد ضعیف می کند، احتکار اجناس مورد نیاز مردم برای کسب سود بیشتر که چرخه اقتصادی را ناکارآمد می سازد و نیز فرهنگ مصرف گرایی و استفاده بیش از حد از کالاها و خدمات و روی آوردن به تجمل گرایی و مصرف گرایی، قاچاق کالاهای خارجی به داخل کشور که باعث خروج ارز بدون عوارض گمرکی و مالیاتی از کشور می شود و مشاغل فاسد و مخرب که نه تنها به حال جامعه مفید نیست بلکه انواعی از مفاسد اجتماعی و اخلاقی، جسمی و روحی را نیز به دنبال دارد از مهم ترین آسیب های فردی و اجتماعی نظام اقتصادی از دیدگاه اسلام می باشد.

**فهرست منابع**

قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند.

نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ترجمه حسین انصاریان، قم، آیین دانش، 1391.

**کتب فارسی**

افشار، محمد، اصول اقتصادی مقاومتی در اقتصاد ایران، تهران، اندیشه اسلامی، 1393.

جعفری، حسن، اقتصاد سیاسی، بی جا، مجد، 1357.

سبحانی، حسن، اقتصاد عدالت محور، تهران، سروش، 1387.

عیوضلو، حسین، فلسفه اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، 1390.

گروهی از نویسندگان، بایسته های جهاد اقتصادی، قم، پژوهش های صدا و سیما، 1392.

متوسلی، علیرضا، نگرشی بر دیدگاه ها، تئوری ها و سیاست های اقتصادی، تهران، وزارت امور خارجه، 1372.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، 1416 ق.

مطهری، مرتضی، سیره نبوی، ج 1، تهران، صدرا، 1376.

میرعمادی، سید احمد، اقتصاد در اسلام، قم، باقیات، 1391.

نمازی، حسین، نظام های اقتصادی، تهران، انتشار، 1382.

یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، تهران، اندیشه اسلامی، 1387.

**کتب عربی**

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، مصر، إحیاء کتب السنة، 1410 ق.

حائری، سید محسن اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه، ترجمه عبدالعلی آل بویه، تهران، بنیاد نهج البلاغه، 1378.

الحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 12، تهران، دارالمکتبه الاسلامیه، 1367.

حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاة، ترجمه محمد آرام، ج 4، تهران، فرهنگ اسلامی، 1386.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 75، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، 1418 ق.

نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، باقیات، 1378.

1. - دانش آموخته سطح 2 مدرسه علمیه نرجسیه سنقر. [↑](#footnote-ref-1)
2. - علیرضا متوسلی، نگرشی بر دیدگاه ها، تئوری ها و سیاست های اقتصادی، ص 78. [↑](#footnote-ref-2)
3. - همان. [↑](#footnote-ref-3)
4. - ژوزف لاژوژی، نظام های اقتصادی، ترجمه شجاع الدین ضیائیان، ص 45. [↑](#footnote-ref-4)
5. - حسن سبحانی، نظام اقتصادی اسلام، ص 258. [↑](#footnote-ref-5)
6. - حسن سبحانی، نظام اقتصادی اسلام، ص 258. [↑](#footnote-ref-6)
7. - محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ص 33. [↑](#footnote-ref-7)
8. - محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ص 33. [↑](#footnote-ref-8)
9. - سوره اسراء آیه 80. [↑](#footnote-ref-9)
10. - سید حسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام، ص 123. [↑](#footnote-ref-10)
11. - سید احمد میرعمادی، اقتصاد در اسلام، ص 79. [↑](#footnote-ref-11)
12. - سوره اعراف، آیه 85. [↑](#footnote-ref-12)
13. - سوره هود، آیه 85. [↑](#footnote-ref-13)
14. - سید احمد میرعمادی، اقتصاد در اسلام، ص 80-81 برداشت. [↑](#footnote-ref-14)
15. - سوره شرح، آیه 7. [↑](#footnote-ref-15)
16. - مرتضی مطهری، سیره نبوی، ج 1، ص 342. [↑](#footnote-ref-16)
17. - علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 75، ص 110. [↑](#footnote-ref-17)
18. - محمد افشار، اصول اقتصادی مقاومتی در اقتصاد ایران، ص 145. [↑](#footnote-ref-18)
19. - گروهی از نویسندگان، بایسته های جهاد اقتصادی، ص 87. [↑](#footnote-ref-19)
20. - سید احمد میرعمادی، اقتصاد در اسلام، ص 88. [↑](#footnote-ref-20)
21. - حسن سبحانی، اقتصاد عدالت محور، ص 123. [↑](#footnote-ref-21)
22. - حسین عیوضلو، فلسفه اقتصاد اسلامی، ص 125، برداشت. [↑](#footnote-ref-22)
23. - شیخ الحر العاملی، وسائل الشیعه، ص 374. [↑](#footnote-ref-23)
24. - احمدعلی یوسفی، نظام اقتصاد علوی، ص 354 و 355 برداشت. [↑](#footnote-ref-24)
25. - محمد بن حسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج 12، ص 284. [↑](#footnote-ref-25)
26. - محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، 1416، ص 305. [↑](#footnote-ref-26)
27. - حسن جعفری، اقتصاد سیاسی، ص 39، برداشت. [↑](#footnote-ref-27)
28. - سید محسن حائری، اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه، ص 216. [↑](#footnote-ref-28)
29. - حسن سبحانی، اقتصاد عدالت محور، ص 215، برداشت. [↑](#footnote-ref-29)
30. - سوره اعراف، آیه 31. [↑](#footnote-ref-30)
31. - فرقان (25)، آیه 67. [↑](#footnote-ref-31)
32. - حسن سبحانی، همان، ص216. [↑](#footnote-ref-32)
33. - میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ص 215. [↑](#footnote-ref-33)
34. - محمدرضا، محمد و علی حکیمی، الحیاة، ترجمه محمد آرام، ج 3، ص 322. [↑](#footnote-ref-34)
35. - مرتضی مطهری، سیره نبوی، ج 1، ص 342. [↑](#footnote-ref-35)
36. - سید حسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام، ص 274. [↑](#footnote-ref-36)
37. - عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص 178. [↑](#footnote-ref-37)